سیر تطور دانش لغت‌شناسی با نگاه به روش کار چند تن از علمای لغت‌شناس

- کتاب المقاییس و وجه امتیاز آن نسبت به برخی کتابهای دیگر
- تثبیت مادهی سه حرفی، نقص کار ابنجنی در اشتقاق کبیر
- کتاب دراسات فی فقه اللغة تالیف صبحی صالح
- معرفی کتاب المعجم الاشتقاقی المؤصل

کتاب المقاییس و وجه امتیاز آن نسبت به برخی کتاب‌های دیگر

خب، حضرت علیه السلام، ضلالت را به عقول نسبت داده‌اند: «قد ضلت العقول». اصل ضلالت چیست؟! ضلّ به‌معنای گم شدن است. شاید بتوانیم، بگوییم: تا زمانی‌که راهی را فرض نگیریم، ضلالت معنا ندارد. هفته‌ی قبل، از کتاب لغت گفتم؟ در این مباحثه نگفتم. خب، الان اشاره‌ای می‌کنم. از قدیم در فقه اللغه بحث‌هایی بوده است. یادگار همین مباحثه‌ی معانی الاخبار بود. همین‌طور خودم مراجعه می‌کردم. کتاب دم دستی طلبگی المنجد بود. المنجد، شماره‌گذاری می‌کند. یک ماده را می‌آورد و بعد شماره می‌گذارد. برای من مکرر پیش می‌آمد و می‌دیدم المنجد شماره گذاشته است، ولی این شماره‌ها، یک معنا است. خب در این فرض، چرا می‌گویی یک، دو؟! یک معنای روشن جامعی بین این یک و دو هست، اما شما می‌گویی یک و دو! گویا مشترک لفظی به حساب می‌آوری! یکی از مواردش واژه‌ی صدق بود. در روایتی که بحث می‌کردیم، کلمه‌ی صدق بود. من مواردش را نگاه کردم، به ذهنم آمد که اصل معنای «صدق»، استحکام است. «حجرٌ صَدَق»؛ سنگ محکم. صدق یعنی چیز محکم و مستحکم. این را در مباحثه مطرح کردم و گفتم وقتی می‌گویی‌م «کلام صدق»، به‌معنای راست گفتن و مطابقت با واقع نیست. این‌ها لازم ِمعنای صدق است. کلام صدق، یعنی کلام مستحکم. کلام مستحکم، یعنی تذبذب و تلون در آن نیست؛ کلامی نیست که امروز بفهمی و فردا از بین رفته باشد. امر مستحکم، زوال ناپذیر است. پس صادق یعنی مستحکم. چون زوال ناپذیر است، این کلام هم صدق و محکم است.

فردای آن روز یکی از اعزه، گفتند این معانی که برای صدق گفتی، ابن‌فارس هم در مقاییس گفته است. گفتم ابن فارس کیست؟! مقاییس کیست؟! تازه نوشته شده است؟! گفتند: خیر؛ این کتاب بیش از هزار سال است. ابن فارس، قبل از سال چهارصد هجری وفات کرده است. روز خوبی برای من بود. همان روز زحمت کشیدند و شش جلدی مقاییس را گرفتند. شاید شماره‌ی آخرش بود و چاپش تمام شده بود. شش جلد مقاییس را آوردند، دیدم هزار سال قبل، ابن فارس، کتابی به این خوبی نوشته است. اساس مقاییس بر این است که بگویی تا می‌توانیم، هر ماده‌ای را به یک معنا برگردانیم. یعنی تا می‌توانیم، همین کاری که المنجد کرده است را نکنیم؛ مدام شماره می‌زند. لذا می‌گویی: «له اصل واحد». ولو می‌گویی من تکلف هم نمی‌کنم؛ کار من بافتنی نیست. اگر نشد، می‌گویم «له اصلان، له ثلاثة اصول». خیلی کار خوبی شد.

تثبیت مادهی سه حرفی، نقص کار ابنجنی در اشتقاق کبیر

فردای همان جلسه، یکی دیگر از آقایان فرمودند: ابنجنی، در خصائص، همین کار را میکند. گفتم عجب! ابنجنی خصائص دارد؟! گفتند: سه جلد است و من دارم. آن را آوردند و به من دادند. بنده به منزل بردم و نگاه کردم، دیدم ابن جنی، خیلی بیش از ابن فارس کار کرده و نبوغ به خرج داده است. ابن فارس به ماده کار دارد. ما میگفتیم: اشتقاق کبیر. اما کار ابن جنی اشتقاق اکبر است؛ در مادهی کلمه، ترتیب حروف را هم بر میدارد. شروع خصائص با این است. میگوید: قاف، واو، لام؛ قول، وقل، لقو و تمام موارد نُه گانهاش، معنایشان یکی است. در آن حرکت است. تقلقل است. دیدم خیلی کار کرده است. ولی همان وقت، در ذهنم آمد که با اینکه کار ابن جنی کار بسیار خوبی بوده است، اما متأسفانه ادامه پیدا نکرده است. چرا؟؛ شاید رمزش این است که او میخ مادهی سه تایی را کوبید. این اشتباه او بود. لذا اشتقاق اکبر او این بود که میگفت: چرا مدام مادهی لغت ق، ل، و را میگویید؟ بلکه دو حرف هم کافی است. نگو قول، بگو قاف و لام. واوش هم تغییر میکند. اشتارک در دو حرف کافی است تا در معنا، اشتارکٌمٌ داشته باشیم. این کار ابن جنی است. متأسفانه این کار او باعث شد تا هزار سال [متوقف] بماند. تا قرن بیستم آمد و متأسفانه بعد از او اصلاً کسی کاری نکرده است. هزار سال کم نیست. کاری نشد تا قرن بیستم. از آن طرفیها، خیزی گرفتند برای زبانشناسی و فنوتیک. خیلی مفصل است. از این طرف هم طاهراً مصریها شروع کردهاند. فقه اللّغه و علم اللّغه را طاهراً اول آن مصری نوشت. شروع به کار کردند. الآن بیش از صد سال میگذرد که در فقه اللّغه و علم لغت، کارهای جدید شده است.

کتاب دراسات فی فقه اللغة تالیف صبحی صالح

ما هم همینجا، کتاب صبحی صالح را مباحثه کردیم. نزدیک شصت-هفتاد سال است که نوشته شده است؛ «دراسات فی فقه اللّغة». جمعبندیهای خوبی کرده است. در آنجا دیدیم، حالا دیگر برای

حروف و معانی حروف و ارتباط و اشتقاق کبیر و اشتقاق کبّار که نَحت[1] بود. در اینجا بحثهای خیلی خوبی مطرح کرده بودند که صبحی صالح هم خلاصهی آنها را آورده بود. ولی هنوز کار خیلی کمی بود. ما در مباحثه می فهمیدیم که کار کمی شده بود. یعنی چقدر قواعد به ذهن میآمد که باید آنها را اعمال کنیم و کشف شود و پیشرفت بکند.

---

[1] مقرر: «نَحت» بهمعنای «واژ آمیزی» است.

معرفی کتاب المعجم الاشتقاقی الموصل

همینطور بود تا هفته‌ی قبل که آقا [یکی از حاضران] در کتابخانه‌ی فیضیه، به کتابی برخورد می‌کنند به نام «المعجم الاشتقاقی الموصل». «الموصل» یعنی ریشه‌یاب. مقدمه‌ی آن را زیاکس گرفتند و دادند. خیلی خوشحال شدم. یعنی این آقای مصری یکی از گام های بسیار مهم را در لغت و اشتقاق کبیر برداشته‌اند. ما هم به خیالمان تازه دیدیم اما حدود هشت سال است که این کتاب چاپ شده است. در وبکی عبری وفاتش را ننوشته است. من خدمت آقایان گفتم؛ به خیالم که الآن هست. ولی دیدم در شرح حالش نیاورده‌اند که وفات کرده است. ولی در سایت الشاملة، در شرح حالش آمده است. سه سال است که وفات کرده است. نویسنده محمد حسن جبل، استاد الازهر است. اصل مقصودش هم قرآن بوده است. می‌گوید: اصلاً مقصود من در الفاظ قرآن کریم است. شبیه مفردات راغب، التحقیق فی کلمات القرآن، مجمع البحرین است که تنها به الفاظ قرآن کریم عنایت داشته است. ایشان هم اصل عنایتش همین است، ولی توسعه هم دارد. سایر الفاظ را هم آورده‌اند. خلاصه، [برای خودش] کتابی شده است! شما باید مقدمه‌ی آن را مباحثه کنید. دو به دو، سه به سه مباحثه کنید. دیر نشود. بخاطر اینکه این کتاب گام خوبی برداشته است؛ تاریخی می‌مانند. البته اما باز هنوز هم خیلی نقص دارد. یعنی چیزهایی است که باید دست به دست هم بدهند تا مثل کتاب ابن‌جنی نشود. ایشان چیزهایی را پایه‌گذاری کرده است که اگر آنها بماند، علم پیشرفت نمی‌کند. گمان بنده‌ی طلبه، این است. نباید بگذارند. ایشان باید یک بخش کار را عهده‌دار شده باشد، نه تمام بخش کار را. اگر تمام بخش بر عهده‌ی این کتاب افتاده باشد، دوباره علم می‌مانند. بخشی از کار را آورده و خیلی خوب شده است.